

خبر کوتاه

فراخوان مقاله هم‌اندیشی «استاد سلطان‌محمد معمار یزدی» منتشر شد
سرویس فرهنگی– معاونت پژوهشی فرهنگستان هنر با انتشار فراخوان هم‌اندیشی «کنکاش از آثار و احوال معماران ایران زمین» با موضوع «استاد سلطان‌محمد معمار یزدی» معمار نام‌آور ایرانی، از پژوهشگران برای شرکت در این همایش دعوت کرد

به گزارش امتیاز و به نقل از روابط عمومی فرهنگستان هنر، این هم‌اندیشی به منظور پاسداشت و صیانت از معماران ایرانی با موضوع شرح احوال و آثار «استاد سلطان محمد معمار یزدی» برگزار می‌شود.

«شناسایی و بررسی آثار سلطان‌محمد معمار یزدی»، «شیوه و سبک‌شناسی آثار معماری سلطان‌محمد (هندسه و فضاسازی، ابعاد و تناسبات و …)»، «فنون و روش‌های تزئین در آثار معماری سلطان‌محمد»، «مقرنس و رسمی بندی در معماری سلطان‌محمد»، «تأثیر سلطان‌محمد بر شهرسازی و معماری ایران زمین به ویژه در شهر کرمان»، «تأثیرپذیری سلطان‌محمد از معماری بومی پیشینیان»، «هم‌نشینی هنرها در آثار سلطان‌محمد» و «پایگاه و جایگاه اجتماعی سلطان‌محمد» از جمله محورهای این هم‌اندیشی به شمار می‌روند.
سلطان‌محمد معمار یزدی بی گمان از نام آوران و سرآمدان فن و هنر معماری ایرانی در اوایل سده یازدهم هجری است که طراحی مجموعه بزرگ تاریخی شهر کرمان در دوره صفویه به نام وی ثبت شده و بر اساس طراحی این شهر، پا گرفته و توسعه یافته‌است. این مجموعه شامل میدان، کاروانسرا، حمام، مسجد، آب انبار، خرابخانه، چهارسوق و بازار است که هر یک از این بناها دورنمایی از شگفتی‌ها و راز و رمزهای معمارانه را جلوه‌گر ساخته‌است. این معمار بزرگ، تسلطی تمام و کمال بر انواع فنون معماری ایرانی و نیز مقرنس‌سازی، رسمی بندی و یزدی‌بندی داشته است. به رغم تمام مهارت‌ها و توانمندی‌های وی، دریغ‌مندانۀ تاکنون کسی در شرح‌حوالش تعمق ننموده و جز نام و آثارش، کسی نمی‌داند این معمار بزرگ که بوده و چگونه زیسته و اگر امضای او در پای آثار معماریش نبود، شاید همین نام را هم از او نمی‌یافتیم. فرهنگستان هنر بر آن است تا در تادوم رویکرد تخصصی خود به حفظ، احیا، اشاعه و بازاندیشی در میراث فاخر و پر اثر معماری ایرانی بمثابة یک سنت زاینده و هویت‌آفرین و همچنین معرفی نام‌آوران هنر ایران زمین با همکاری سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و علمی کرمان، همایشی در خور و شایستهٔ شأن این هنرمند این نیمه دوم سال جاری برگزار نماید. دبیرخانه این هم‌اندیشی، آخرین مهلت ارسال چکیده مقالات سی آبان ماه ۱۳۹۶، مهلت ارسال اصل مقالات ۳۰ آبان ماه ۱۳۹۶ و زمان برگزاری آن را اسفند ماه ۱۳۹۶ اعلام کرد.

از علاقه‌مندان دعوت می‌شود، مقالات خود را به دبیرخانه این هم‌اندیشی به نشانی خیابان ولی‌عصر(عج)، پایین‌تر از چهارراه طالقانی، شماره ۱۵۵۲ ارسال نمایند و یا برای دریافت اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۲۰۰۶۹۶۴۲۰۰۵۱۱۱۲ تماس بگیرند.

به مناسبت روز «ادبیات کودک و نوجوان»؛

نمایشگاه آثار تصویری کتاب‌های «کانون پرورش فکری پرگزاز می‌شود
موزه کودک کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان به مناسبت ۱۸ تیر روز ملی ادبیات کودک و نوجوان بخشی از آثار تصویری کتاب‌های کانون را به نمایش می‌گذارد.

هم‌زمان با سالروز درگذشت مهدی آذریزدی نویسنده‌ی نام‌آشنای ادبیات کودک و نوجوان، آیین بزرگداشت این نویسنده به همراه نمایشگاه آثار تصویری کتاب‌های کانون با توجه به اهمیت نقش تصویری کتاب کودک و نوجوان در رایبه و انتقال مفاهیم به مخاطب به معرض نمایش گذاشته می‌شود.در مراسم بزرگداشت آذریزدی قرار است زندگی و آثار زنده یاد مهدی آذریزدی، مرور شود. بخش فیلم‌هایی از دیدار او با رهبری و گفت‌وگوی کودکان یزدی با این نویسنده از دیگر بخش‌های این برنامه است بر همین اساس، نزدیک به ۱۸۰ قطعه اثر تصویری از حدود ۹۰ عنوان کتاب و ۸۰ هنرمند تصویرگر در حوزه تصویرگری کتاب کودک و نوجوان در معرض دید مخاطبان گذاشته می‌شود. همچنین در این نمایشگاه، آثار تصویری کتاب‌های انتشارات کانون در چهار بخش به همراه معرفی پُر خواندندترین کتاب‌های سه سال اخیر، از سوی اعضای مراکز فرهنگی هنری کانون به نمایش در می‌آید. آثار پیشگوسنانه دهه‌های ۴۰، ۵۰ و ۶۰، تصویرگری کتاب‌های دینی و علمی، نمونه‌های تصویرگری در کتاب‌های لمسی ویژه نابینایان، نمایش نمونه کتاب‌سازی از سوی اعضای مراکز فرهنگی هنری کانون نیز در این نمایشگاه به چشم می‌خورد.
نمایشگاه آثار تصویری کتاب‌های کانون در روز ۱۸ تیر ۱۳۹۶ گشایش می‌یابد و به مدت ۱۰ روز تا تاریخ ۲۸ تیر از ساعت ۹ تا ۱۷ به جز روزهای تعطیل برگزار می‌شود.

نویسنده آثار پرورش تاریخی روسیه درگذشت

دانیل گرائین نویسنده کهنه‌کار روسی که آثاری پر فروش از جنگ جهانی در کارنامه داشت، درگذشت.

دانیل گرائین نویسنده روس که آثاری درباره حمله نازی‌ها به لنینگراد و چندین رمان پر فروش در کارنامه داشت، در ۹۸ سالگی درگذشت.گرائین کهنه‌سرباز روس بازمانده از جنگ جهانی روز سه‌شنبه در سن پترزبورگ فوت شد. کرملین روز چهارشنبه اعلام کرد پوتین پیامی برای درگذشت وی منتشر کرده است. شماری از آثار این نویسنده به زبان انگلیسی نیز ترجمه شده‌اند که «آنها که جستجو می‌کنند، در میان خوانندگان» «خانه‌ای در فونتانکا» از جمله آنها هستند. در دوران میخائیل گورباچف گرائین برای نوشتن زندگینامه نیکولای تیموفاف ریوسسکی دانشمندی برجسته که در دوران استالین سرکوب شد، تحسین شد.

ماريو بارگاس یوسا نویسنده برجسته اسپانیایی زبان برای نخستین بار پس از دهه‌ها درباره گابریل گارسیا مارکز نویسنده کلمبیایی حرف زد.

در برنامه‌ای که به مناسبت پنجاهمین سال انتشار «صد سال تنهایی» و نیز سومین سالگرد درگذشت گابریل گارسیا مارکز در اسپانیا برگزار شد، ماریو بارگاس یوسا درباره نویسنده اسپانیایی زبان سخن گفت

یوسا در این مراسم با تاکید بر این که مارکز یک روشنفکر نبود بلکه یک هنرمند بود درباره برنده فئید جایزه ادبی نوبل حرف زد.

یوسا افزود: به همین دلیل او در موقعیتی نبود که بتواند درباره استعدادهای بیشماری که در زمان نوشتن به سراغش می‌آمد حرفی بزند، بلکه با شیوای شهودی می‌نوشت که قابل تشریح نبود. در این مراسم که پنج‌شنبه ۶ جولای توسط

دانشگاه کامپلوتس مادرید برگزار شد، یوسا به چارچوب کارهای مارکز، رنالیسم جادویی آثارش و تحلیل و تفسیر عوامل مختلف این نویسنده پرداخت و تاکید کرد این توانایی از فرهنگ مردم، از معماهای سیاسی کشورش، دیدگاه‌های او و فولکلور سرچشمه می‌گرفت.

یوسا گفت نخستین بار با خواندن رمان «کسی به سرهنگ نامه نمی‌نویسد» مارکز با آثار او آشنا شد و وقتی برای یک برنامه رادیو تلویزیونی فرانسوی کار می‌کرد، این کتاب را به زبان فرانسوی خواند. وی افزود: از این کتاب برای رئالیسم سرراستش خیلی خوشم آمد.

آن‌ها اولین بار در هواپیمایی به مقصد کاراکاس در سال ۱۹۶۷ ملاقات کردند و این در حالی بود که یوسا جایزه رومولو گالگوس را برای «خانه سبز» دریافت کرد و مارکز همان سال «صد سال تنهایی» را منتشر کرده بود. وی گفت: یک همدلی بین ما به وجود آمد و با هم دوست شدیم. دیدار بعدی در دانشگاه هندسی اسپانیا به همکار داد که به گفته یوسا او مصاحبه‌ای با لیماکز کلمبیایی‌اش در محل عمومی دانشگاه ترتیب داد و این مصاحبه بعدا به صورت غیرمجاز چاپ شد. یوسا درباره مارکز گفت: او در دیدار با عموم عبوس و غیرمعاشرتی و خجالتی بود و وقتی شروع به حرف زدن می‌کرد ناگهان بازمه می‌شد و اعتماد به نفس پیدا می‌کرد.

این دوستی اما تا چندماه چندان بروزی

نیافت تا وقتی نویسنده «کسی به سرهنگ نامه نمی‌نویسد» با همسرش مرسدس به بارسلونا رفت و با یوسا و همسرش پاتریشیا بیشتر آشنا شدند. تحسین این دو نویسنده از یکدیگر در فضایی ادبی و تا آنجا ادامه یافت که یوسا تقریباً دو سال را صرف بررسی کارهای مارکز کرد و سال ۱۹۷۱ کتابی تاریخی را در این باره منتشر کرد که یکی از پیچیده‌ترین تحقیقات در باره نویسنده کلمبیایی است. یوسا فاش کرد این دو نویسنده حتی مدتی با هم سعی کردند تا کتابی درباره پرو و کلمبیا در منطقه آمازون بنویسند که در نهایت به نتیجه‌ای نرسید. یوسا از تاثیر فاکتر و تکنیک مدرن نویسندگی وی و نیز ویرجینیا وولف بر مارکز و نیز تاثیر سارتر بر خودش حرف زد و این که هر دوی آنها کشف کردند که نویسندگانی از آمریکای لاتین هستند آن هم در زمانی که هیچ شناختی از ادبیات آمریکای لاتین تا آن زمان وجود نداشت. یوسا برنده جایزه ادبی نوبل در سال ۲۰۱۰ در ادامه درباره «صد سال تنهایی» گفت: تا وقتی من وارد جهان داستانی مارکز نشده بودم نابینا بودم. خواندن این کتاب بود که مرا خیره کرد. برای من کاری جادویی بود. می‌توان گفت یوسا اطلاعات بیشتری درباره مارکز داشت و خود او ارجاعاتی از شخصیت‌هایی که در «صد سال تنهایی» به کار رفته بود، افرادی که با آنها مرتبط بود، و محیطی که در آن این داستان خلق شده بود کسب کرده بود.

یوسا گفت کلاس‌های مختلفی در پورتوریکو، انگلستان و بارسلونا درباره آثار مارکز گذاشت و در

روابط دو غول ادبی آمریکای لاتین؛

یوسا سرانجام از مارکز سخن گفت



نیابت با نوشتن کتابی درباره کار دوستش برای تز دکتری خودش، این مسیر را گسترش هم داد. در واقع تحسین این دو نویسنده از یکدیگر در فضایی ادبی و تا آنجا ادامه یافت که یوسا تقریباً دو سال را صرف بررسی کارهای مارکز کرد و سال ۱۹۷۱ کتابی تاریخی را در این باره منتشر کرد که یکی از پیچیده‌ترین تحقیقات درباره‌نویسنده کلمبیایی است. یوسا در این باره گفت: گابریل این کتاب را در سفری که به لندن کرد خواند و به من گفت که این کتاب را پر از حاشیه‌نویسی کرده و باید آن را به من بدهد. واقعیت آن است که این لحظه هرگز نرسید و من هرگز آن یادداشت‌ها را ندیدم.

این کتاب که در تیراژ ۲۰ هزار نسخه منتشر شد ارایه دهنده تفسیرهایی درباره «صد سال تنهایی» و نیز برخی از متن‌هایی بود که نویسنده کلمبیایی با تکیه بر آنها رمان کوتاه «داستان باورنکردنی و غم‌انگیز ارندپرای ساده‌دل و مادر بزرگ سنگدل‌اش» را نوشته بود. به این ترتیب یوسا، برخی از ضرب‌المثل‌ها و حکایت‌هایی را که برخی از شخصیت‌های فرهنگی گارسیا مارکز از دل آنها بیرون آمده بودند از جمله کلنل اتورلیانو بوئنדיا و فضای داستانی ماکوندو را توضیح داد. در این میان ارجاعاتی به فاکتر، رابله، بورخس و کامو نیز وجود داشت.

خلاق «سور بز» گفت: این موقعیت با انقلاب کوبا که «تائیری عمیق بر همه ما داشت» تغییر کرد. یوسا افزود: اول من بودم که هوادار و مشتاق انقلاب کوبا بودم و او علاقه‌ای به این موضوع

به بهانه ۱۸ تیرماه، روز ادبیات کودکان و نوجوانان؛

۸۰ درصد کتابخانه‌های یزد دارای بخش کودک و نوجوان است

کتابخانه‌های استان ارسال شده است.

وی در این رابطه با اشاره به ارسال هفت هزار جلد کتاب از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به کتابخانه‌های عمومی استان در سال گذشته، تصریح کرد: این اقدام به جمع‌آوری کتاب‌های دارای نسخه‌های تکراری در مراکز کانون پرورش فکری و ارسال آنها به کتابخانه‌های استان انجام گرفت. دوست فاطمی‌ها برگزاری دو دوره قصه‌گویی برای کتابداران بخش کودک در سراسر استان را یکی دیگر از اقدامات انجام شده در راستای ترویج کتابخوانی و رشد ادبیات کودک و نوجوان نام برد و بیان کرد: شرکت‌کنندگان در این دوره‌ها در جشنواره قصه‌گویی کانون پرورش فکری نیز شرکت داشتند که از هر دوره پنج نفر به مرحله استانی و سه نفر به مرحله کشوری راه پیدا کردند. وی در بخشی دیگری از سخنان خود با بیان این مراکز کانون پرورش فکری صرفاً برای ارائه خدمت به کودکان است و برای والدین مکانی اختصاص نیافته است، خاطرنشان کرد: خوشبختانه در نهاد کتابخانه‌ها، والدین می‌توانند فرزند خود را به بخش کودک کتابخانه بفرستند و خود از سالن مطالعه استفاده کنند .

دوست فاطمی‌ها در ادامه با اشاره به مشکلات و موانعی که در بخش کودک کتابخانه‌های استان وجود دارد، تصریح کرد: به دلیل

داستان تخیلی تربون موجودی از فضا

همبرگر لذیذ به خانه باز گشتیم و من به اتاق خود رفتم تا ادامه کتاب را بخوانم. در قسمتهایی از کتاب مطالب جالبی نوشته شده بود و در جاهایی نیز مطالب عجیب اما به آخر داستان که رسیدم با موجود فضایی جالبی در کتاب آشنا شدم به نام (تربون) که توانسته بود جنگ سیاره خودشان و زمین را از بین ببرد. بعد از اتمام کتاب ناگهان صدایی از پشت باد آمد وووووو! کسی در خانه نبود، به پشت بام رفتم تا ببینم آنجا چه خبر است یک گوی نسبتاً بزرگ در پشت بام قرار داشت و همین که داشتم آنرا نگاه می‌کردم در آن باز شد و بخار زیادی بیرون زده شد و ناگاه موجود عجیبی با چشمان درشت و سیاه از گوی بیرون آمد، سر خلی بزرگ و بدنی لاغر با چهار دست و چهار پا که با دیدنش رنگ از صورتم پرید. به من سلام گفت و من جیغ زدم و به سمت پائین فرار کردم فکر کردم از دستش فرار کردم اما تا روی سقف اتاق را دیدم یهو باهم جیغ زدیم و من دویدم اما چون سواره سوخت گری میکنی یعنی چی؟ گفت بین ما برای اینکه دستگاه پرورش موجودات فضایی را روشن نگه داریم مجبوریم از سوخت ستارگان نزدیک به سیارمون استفاده کنیم. پرسیدم مگه از چه سیاره ای هستی؟ گفت از مریخ می آیم . تا این را شنیدم برق از سرم پرید و گفتم تو یک آدم فضایی هستی؟ پاسخ داد بله چرا تعجب کردی؟ گفتم هیچی فقط برام غیر عادی اومد، راستی اسمت چیه؟ جواب داد اسم من تربون هست و اسم تو ؟ بهش گفتم من ریچارت هستم . ریچارت باتم.

ازمن پرسید چرا من رو دیدی فرار می کردی مثل دیوانه ها شده بودی! گفتم آخه من هنوز حرفش نکرده بودم نشده بود که پرسیدم از ستاره سوخت گری میکنی یعنی چی؟ گفت بین ما برای اینکه دستگاه پرورش موجودات فضایی را روشن نگه داریم مجبوریم از سوخت ستارگان نزدیک به سیارمون استفاده کنیم. پرسیدم مگه از چه سیاره ای هستی؟ گفت از مریخ می آیم . تا این را شنیدم برق از سرم پرید و گفتم تو یک آدم فضایی هستی؟ پاسخ داد بله چرا تعجب کردی؟ گفتم هیچی فقط برام غیر عادی اومد، راستی اسمت چیه؟ جواب داد اسم من تربون هست و اسم تو ؟ بهش گفتم من ریچارت هستم . ریچارت باتم.

ازمن پرسید چرا من رو دیدی فرار می کردی مثل دیوانه ها شده بودی! گفتم آخه من

نداشت. پس از مورد «پادبلا» و دستگیری این شاعر به جرم خیانت به انقلاب کوبا، موجی از اعتراض نویسندگان در سراسر جهان در این زمینه به پا خواست. یوسا گفت: من به منتقد کوبا بدل شدم و گایو به این نتیجه رسید که بهتر است در کنار کوبا بماند در حالی که همه ما نویسندگان دیگر لاتین به منتقدان کوبا بدل شدیم.

یوسا افزود: احساس کردم او حسی بسیار عملی از زندگی دارد و کشفیاتی در آن دوره داشت که با علاقه او به کوبا تفسیر می‌شدند. مارکز از این احساس روی صحنه و در حال عکس گرفتن با قیدل کاسترو حرف زد و به همین دلیل هم از همه شکاکیتی که منتقدان سیستم با آن روبه رو می‌شدند در امان ماند.

این دو نویسنده یک کارگزار ادبی مشترک هم داشتند و او کارمن بالسلز بود که سپتامبر ۲۰۱۵ درگذشت و بخشی مهم از عامل اشتراک نویسندگان آمریکای لاتین محسوب می‌شد. خالق «مرگ در آند» در این سخنرانی افزود: وقتی اروپا ادبیات آمریکای لاتین را کشف کرد، حسی بسیار غریب داشتم که ما را به عنوان دو نویسنده به هم نزدیک‌تر کرد. وی افزود: شاید این حتی یکی از دلایلی بود که ما را به دوستی با یکدیگر ترغیب می‌کرد.

در هر حال این رابطه سال ۱۹۷۶ به پایان رسید و آن در نیمه سفری بود که آنها قرار بود پس از آن به لیما بازگردند. درباره این موضوع شایعات فراوانی گفته شده که در نهایت منجر به زدن آن ضربه مشهور مشت یوسا به زیر چشم مارکز شد. روز ۱۲ فوریه ۱۹۷۶ وقتی فیلم «اودیسه» در سالن سینمای مکزیکو سیتی نمایش داده شد، یوسا به مارکز که او را با فریاد «شیطان» خطاب می‌کرد با یک مشت پاسخ داد؛ مشتکی که موجب شد تا او به زمین بخورد.

یوسا در این باره گفت: هرگز دیگر با او برخوردی نداشتم و از او فاصله گرفتم. دیگر هرگز با او نبودم.

یوسا در این نشست در پاسخ به این سوال که آیا درباره این که چرا کار دو نویسنده به درگیری کشیده شد صحبتی می‌کنند؟ تنها پاسخ داد «نه» و خواست از این محبت خارج شوند زیرا زمین خطرناکی است. وی با این حال قول داد تا عامل این حرکت را زمانی توضیح دهد.

فرهنگ و ادب

شماره ۲۲۴۳

اخبار

دستبرد به آثار نیما یوشیج

وکیل «شراگیم یوشیج» از اقدام قضایی علیه برخی از ناشرانی که حق مالکیت آثار نیما یوشیج را نادیده گرفته‌اند، خبر داد.
محمدحسین آقاسی، وکیل دادگستری که وکالت «شراگیم یوشیج» را برعهده دارد، در این‌باره به ایسنا گفت: «فرزند استاد نیما از بی‌نتیجه ماندن گفت‌وگوهایش با برخی از ناشران سرخورده و دلگیر شده است. وی معتقد است آثار مرحوم نیما مورد دستبرد قرار گرفته و بعضاً برخی ناشران با کسی که امین وی بوده و بخشی از آثار را به شکل امانت در اختیار داشته، هم‌داستان شده و بدون اجازه صاحب اثر، آنها را منتشر کرده‌اند. طبیعی است که اشخاص وقتی از طریق مذاکره به حقوق خود نمی‌رسند، به ناچار به دامن مقامات قضایی دست یاری دراز می‌کنند، به امید آنکه بتوانند به حق قانونی خود نائل گردند.»

وی در پاسخ به این سوال که آیا شما قرار است علیه اشخاص خاصی طرح شکایت کنید؟ بیان کرد: «آقای شراگیم تنها فرزند نیما با اعطای وکالت به من، خواسته است که علیه برخی ناشران طرح شکایت کنم، مدارکی هم هست که نشان می‌دهد، حتی با شخصی که فعلاً نباید نام ببرم، تبانی کرده‌اند تا آثار استاد نیما را که شخص فرزند ایشان (شراگیم) جمع‌آوری کرده و حتی یکبار هم به نام ایشان به چاپ رسیده، عیناً با نام شخص ثالث منتشر کنند.»
این وکیل در همین زمینه به ناشرانی که همچنان به انتشار بدون اجازه آثار نیما ادامه می‌دهند، توصیه کرد: استندعی من به عنوان وکیل تنها وارث نیما این است که از اصرار بر انتشار آثار، بدون موافقت آقای شراگیم یوشیج خودداری کنند و اخلاق را هم علاوه بر قانون موردنظر قرار دهند. البته طرح شکایت اینجانب در دست انجام است.»

یکی از مباحثی که طی سالیان بسیار محل مناقشه بوده است، مالکیت حقوقی آثار نیماست که اکنون بار دیگر از سوی فرزند نیما، شراگیم یوشیج، مطرح شده است.

کتاب آخر «تالار گرگ» با تأخیر منتشر می‌شود

هیلاری مانتل خالق سه‌گانه «تالار گرگ» که با اقبال زیادی روبه رو شده اعلام کرد کتاب نهایی از این مجموعه را با تأخیر وارد بازار می‌کند.

هیلاری مانتل گفت کتاب نهایی از این مجموعه که قرار است با عنوان «آینه و نور» در ادامه رمان‌های موفق «تالار گرگ» و «جسد‌ها را بالا بیاورید» منتشر شود؛ تا سال ۲۰۱۹ منتشر نخواهد شد.

در حالی که قرار بود کتاب سوم تا تابستان سال آینده به بازار بیاید این نویسنده اعلام کرد برخلاف آنچه انتظار داشت، این کتاب سال ۲۰۱۸ منتشر نخواهد شد.

این رمان قرار است کامل کننده داستان هنری هشتم و توماس کرامول باشد. دو کتاب نخست از این سه گانه با عنوان «تالار گرگ» و «جسد‌ها را بالا بیاورید» که هر دو برنده جایزه بوکر شدند، هیلاری مانتل را به تنها نویسنده‌ای بدل کردند که برای دو کتاب پیاپی دو جایزه بوکر دریافت کرد.

مانتل در مصاحبه‌ای درباره ادامه نهایی این مجموعه گفت همه چیز بستگی به تکمیل کتاب دارد و اگر بتواند کتاب را تا آغاز سال جدید به پایان برساند می‌توان انتظار داشت که تابستان سال آینده وارد بازار شود. وی افزود این امر از نظر خود او غیرمحتمل است.

مانتل افزود این کتاب تا سال ۲۰۱۹ نمی‌تواند منتشر شود . وی گفت تأخیر در این کتاب به نوشتن ماجرای مرگ کرامول در سال ۱۵۴۰ مربوط نمی‌شود .

مانتل در رمان سه گانه تاریخی خود که به زندگی توماس کرامول و هنری هشتم پرداخته است و در قسمت سوم این مجموعه به زندگی هنری هشتم و دادگاهی که برای او ترتیب داده شد و نقش توماس کرامول نخست وزیر او تمرکز کرده است.

خانم مانتل پیشتر گفته بود در کتاب سوم ادامه ماجرا از جایی که کتاب دوم به پایان رسیده بود دنبال می‌شود. در آغاز کتاب توماس کرامول روی چوب بستنی ایستاده که آن بوئین روی آن به دار آویخته شد و می‌گوید : «کسی که زمانی ملکه بود پنج دقیقه پیش برای همیشه چشم‌هایش را بست»

مانتل در کتاب نخست این مجموعه یعنی «سالن گرگ» داستان را از زمانی شروع کرد که کرامول ۱۵ ساله بود.

نگاهی اجتماعی به موسیقی و رادیو در کتابی از حسن خجسته

چاپ نخست کتاب «جامعه، موسیقی، رادیو» تألیف حسن خجسته از سوی انتشارات سروش منتشر و وارد بازار نشر شد.

به گزارش ایسنا، کتاب «جامعه، موسیقی، رادیو» از دو بخش تشکیل شده است؛ در بخش اول، ابتدا درباره اصل موسیقی بحث شده و سپس مختصری درباره فلسفه موسیقی و دیدگاه برخی فیلسوفان نوشته شده و بعد از اشاره به این‌دولوی سیاسی در موسیقی، دیدگاه دی‌های مسیحیت و اسلام درباره موسیقی به اخصار بیان شده و انواع مطالعات اجتماعی موسیقی و دیدگاه‌های برخی مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان موسیقی و دیدگاه‌های جدید درباره موسیقی از جمله تولید موسیقی به عنوان عنصر هنری آمده است، و در نهایت به موسیقی و انواع رسانه‌ها توجه شده است، دکتر حسن خجسته، یکی از دست‌اندرکاران باسابقه صدا و سیما با رویکرد دانشگاهی و همزمان با چشم داشتن به مسائل اجرایی رسانه آن را به رشته تألیف و تحریر درآورده است.
چاپ نخست کتاب «جامعه، موسیقی و رادیو» در ۳۲۰ صفحه از سوی انتشارات سروش در اختیار علاقمندان به هنر موسیقی قرار گرفت.